

تأثیر الگوی تحصیلی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی شهرستان دزفول

مرتضی امیدیان*

دکتر حسین شکرکن**

چکیده

در تحقیق حاضر تأثیر الگوهای فعال تحصیلی بر عملکرد تحصیلی آزمودنیها مورد بررسی قرار گرفت و به آزمون دو فرضیه مبادرت گردید. این فرضیه‌ها عبارتند از: ۱. مشاهده الگوهای فعال تحصیلی موجب بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی شهرستان دزفول می‌شود. ۲. مشاهده سه الگوی فعال تحصیلی تأثیر بیشتری از مشاهده یک الگوی تحصیلی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی شهرستان دزفول دارد. نمونه این تحقیق متشکل از ۱۰۲ آزمودنی بود که به صورت نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب و به سه گروه گمارده شدند. گروه اول فیلم یک الگوی فعال تحصیلی همسال را تماشا کردند. گروه دوم به تماشای فیلم سه الگوی فعال تحصیلی پرداختند و گروه سوم یعنی گروه گواه در معرض هیچ الگویی قرار نگرفتند. شاخص عملکرد آزمودنیها عبارت بود از نمره‌های تفاوت پیش‌آزمون و پس‌آزمون آنان در یک تکلیف تمرین واژه‌های دشوار کتاب فارسی و یک امتحان دیکته. از وضعیت اجتماعی - اقتصادی آزمودنیها نیز اطلاعاتی جمع‌آوری شد. برای آزمون فرضیه‌ها از روش تحلیل واریانس و روشهای چندمقایسه‌ای استفاده به عمل آمد. نتایج حاصل فرضیه اول تحقیق را مورد تأیید قرارداد و نشان داد که دو گروه آزمایشی در مقایسه با گروه گواه عملکرد تحصیلی بالاتری دارند. اما فرضیه دوم تأیید نگردید. همچنین، نتایج نشان داد که وضع اجتماعی - اقتصادی چه به تنهایی و چه در تعامل با گروههای مقایسه تأثیری بر عملکرد تحصیلی آزمودنیها ندارد.

مقدمه

یکی از مهمترین نظریه‌های یادگیری که نورویتیک، بهبود فرایند تعلیم و تربیت، ایجاد امروزه در کمک به بیماران روانی و افراد تغییر در محیط کار و دیگر زمینه‌های

* کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی

** عضو هیأت علمی گروه روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

الگو حتی از گروهی که در برابر قضاوت‌های اخلاقی صحیح تقویت دریافت کردند (شرطی عاملی) نیز بیشتر بود. این افزایش و بهبود حتی در غیاب الگوها و تقویت اجتماعی نیز حفظ شد (باندورا و مک‌دونالد Bandura & McDonald, ۱۹۶۳).

در یک آزمایش به منظور نشان دادن تأثیر سرمشق‌گیری در نقش جنسیتی، کودکان، بزرگسالانی را مشاهده کردند که از میان دو شیئی که ربطی به جنسیت نداشتند (مثل سیب و پرتقال) باید یکی را انتخاب کنند. نتایج نشان داد که کودکان اشیایی را برمی‌گزیدند که همجنس‌های آنان انتخاب می‌کردند. به عبارت دیگر، در آنان یک مفهوم جنسیتی ایجاد شده بود و رفتارهایی را تقلید می‌کردند که با جنسیت آنان تناسب داشت (پری و باسی Perry & Bussey, ۱۹۷۹).

استفاده از الگو در قلمرو تعلیم و تربیت بخصوص در مورد انتقال اصرار در ادامه کار در جریان حل مسئله از الگو به کودکان از طریق سرمشق‌گیری (زیمرمن و بلاتنر Zimernann & Blotner, ۱۹۷۹) و اثر الگو در درماندگی آموخته شده (براون و اینوی Brown & Inouye, ۱۹۷۸) نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در این رابطه

اجتماعی از جایگاه مهمی برخوردار است، نظریه یادگیری اجتماعی است. مهمترین نظریه‌پرداز در این زمینه باندورا (Bandura, ۱۹۸۶ و ۱۹۷۷) است که در پژوهش‌های متعدد خود بر یادگیری از راه مشاهده و بر اهمیت فرایندهای شناختی در یادگیری تأکید زیادی به عمل آورده است.

در این نوع یادگیری، یادگیرنده از طریق مشاهده رفتار دیگران به یادگیری می‌پردازد، بدین معنا که، وقتی یادگیرنده یا مشاهده‌گر رفتار شخص دیگری را مشاهده می‌کند و درمی‌یابد که او برای انجام آن رفتار پاداش یا تقویت دریافت می‌کند آن رفتار را فرامی‌گیرد (باندورا و والترز Bandura & Walters, ۱۹۶۳).

پیشینه

تعداد زیادی از تحقیقات و نوشته‌های مربوط به یادگیری اجتماعی به باندورا تعلق دارد. از آن جمله آزمایشی است که طی آن نقش الگو در ایجاد، بازداری و بازداری‌زدایی پرخاشگری مورد بررسی قرار گرفته است (باندورا، راس و راس، Bandura, Ross & Ross, ۱۹۶۳). در تحقیقی دیگر تأثیر الگو بر تغییر و اصلاح قضاوت‌های اخلاقی کودکان نشان داده شد. در این تحقیق اثر مشاهده

پژوهش حاضر با توجه به نظریه یادگیری اجتماعی طراحى شده است. موضوع این تحقیق عبارت است از نشان دادن تأثیر الگوهای فعال تحصیلی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی شهرستان دزفول. هدف عمده این تحقیق آزمایش نظریه یادگیری اجتماعی باندورا (۱۹۸۶، ۱۹۷۷) در ایران است. از سوی دیگر، تحقیق در زمینه‌ای نسبتاً واقعی و شبیه به زندگی معمولی دانش‌آموزان انجام گرفته است تا امکان استفاده از نتایج آن برای دست‌اندرکاران فرهنگی جامعه به‌نحو بهتری فراهم شود.

با توجه به تأثیرات الگوهای گوناگون در زندگی اجتماعی و اهمیت سرمشق‌گیری در جوامع مختلف بشری و از جمله در جامعه ما، این ضرورت احساس می‌شد که باید در کنار الگوهای مختلف سینمایی، ورزشی، هنری و سیاسی، الگوهای موفق علمی نیز مطرح شوند و تأثیر آنها به صورتهای عملی نشان داده شود.

با توجه به اهداف بالا سئوالاتی به شرح زیر مطرح گردید:

۱. آیا بین عملکرد تحصیلی دانش‌آموزانی که الگوی فعال تحصیلی مشاهده می‌کنند و گروه گواه تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

در یک آزمایش نشان داده شد که یادگیری حل مسائل برای کودکان دچار مشکل یادگیری در درس ریاضی، از طریق مشاهده الگوهای همسال در مقایسه با الگوی معلمی، اثربختر بود (شانک و هانسون Schunk & Hanson, ۱۹۸۵).

در ادامه این مجموعه تحقیقات، دوگونه الگوی مهارت و انطباقی و همچنین الگوهای منفرد و چندگانه به‌کار گرفته شده‌اند. الگوی مهارت، الگویی است که از آغاز قادر به حل مسائل می‌باشد و الگوی انطباقی، الگویی است که در آغاز مشکلاتی دارد اما در ادامه کار کم‌کم راه حل درست را پیدا می‌کند. نتایج نشان داده است که الگوی انطباقی به خوداثربخشی بیشتر و عملکرد بالاتری در کودکان منجر می‌شود.

علاوه بر آن، الگوهای چندگانه انطباقی و الگوهای چندگانه مهارت نسبت به یک الگوی منفرد انطباقی یا مهارت، سطح بالاتری از خوداثربخشی و عملکرد را مرجم شده‌اند. از قرار معلوم الگوهای چندگانه این احتمال را که مشاهده‌کنندگان خود را حداقل با یکی از الگوها مشابه بدانند افزایش می‌دهند و منجر به خوداثربخشی بیشتری می‌گردند (شانک و همکاران Schunk, et al., ۱۹۸۷).

۲. آیا بین دانش‌آموزان مشاهده‌کننده سه الگو با دانش‌آموزان مشاهده‌کننده یک الگو تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

به منظور پاسخ‌گویی به سئوالات مورد نظر فرضیه‌های زیر مطرح گردید و مورد بررسی قرار گرفت:

۱. مشاهده الگوهای فعال تحصیلی موجب بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی شهرستان دزفول می‌شود.

۲. مشاهده سه‌الگوی فعال تحصیلی تأثیر بیشتری از مشاهده یک الگوی تحصیلی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی شهرستان دزفول دارد.

منظور از الگو یا الگوهای فعال تحصیلی، دانش‌آموز یا دانش‌آموزانی هستند که به دلیل تلاش و پشتکارشان توانسته‌اند به موفقیت‌های برجسته‌ای در پایه مربوط به خود (پایه چهارم ابتدایی) نائل آیند. منظور از عملکرد تحصیلی، نتیجه تلاش دانش‌آموزان در یک تکلیف انتخابی بود، به این صورت که دانش‌آموزان مختار بودند تا در یک تکلیف متشکل از واژه‌های جدید کتاب فارسی چهارم ابتدایی، به هر مقدار و به هر شکل که بخواهند تمرین کنند. تعداد

واژه‌هایی که دانش‌آموزان انتخاب کردند و دفعات نوشتن هر واژه، به عنوان شاخصی از عملکرد تحصیلی در نظر گرفته شد. علاوه بر این، در پایان هر نوبت تمرین یک امتحان دیکته نیز به عمل آمد و به عنوان شاخص دیگری از عملکرد تحصیلی به کار گرفته شد.

روش تحقیق

آزمودنیها در این تحقیق ۱۰۲ نفر بودند که به صورت تصادفی چندمرحله‌ای از میان کلیه دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی شهرستان دزفول در سال تحصیلی ۷۳-۷۲ انتخاب شدند. این آزمودنیها به گونه‌ای تصادفی به ۳ گروه ۳۴ نفری تقسیم شدند. این سه گروه نیز به طور تصادفی به دو گروه آزمایشی و یک گروه گواه گمارده شدند.

متغیر مستقل در این پژوهش عبارت بود از مشاهده الگوهای فعال و موفق تحصیلی که در نتیجه تلاش خود به موفقیتها و پیشرفتهای چشمگیری نائل آمده بودند. الگوها از میان دانش‌آموزان برجسته مدارس ابتدایی شهرستان دزفول که در "مسابقات بنیة علمی" مقامهای اول تا سوم را کسب کرده بودند، انتخاب شدند. به منظور یکنواختی در ارائه الگوها، دو فیلم ۱۵ دقیقه‌ای از آنها تهیه شد. یک فیلم فعالیت‌های

فارسی پرداختند و از آنها امتحان دیکته به عمل آمد. داده‌های حاصل از این مرحله پیش‌آزمون را تشکیل می‌داد. در مرحله دوم گروه آزمایشی اول به تماشای فیلم نشان دهنده یک الگوی تحصیلی پرداخت، گروه آزمایشی دوم فیلم نشان دهنده سه الگوی تحصیلی را تماشا کرد و گروه گواه از تماشای فیلم برکنار ماند. در مرحله سوم یعنی مرحله پس‌آزمون هر یک از سه گروه به تمرین روی ۵۰ واژه جدید و متفاوت، لیکن هم‌تا با ۵۰ واژه پیش‌آزمون پرداختند و یک امتحان دیکته هم‌تا با دیکته پیش‌آزمون نیز از آنان به عمل آمد.

شاخص عملکرد تحصیلی آزمودنیها در تکلیف تمرین روی واژه‌ها و امتحان دیکته، نمره‌های تفاوت بود که با کم کردن نمره پیش‌آزمون از نمره پس‌آزمون در دو فعالیت فوق‌الذکر به دست آمد. افزون بر آن، اطلاعاتی نیز از وضعیت اجتماعی - اقتصادی آزمودنیها مشتمل بر سطح تحصیلات و شغل پدر، سطح تحصیلات و شغل مادر، میزان درآمد خانواده، تعداد اعضای خانواده، تعداد خواهران و برادران آزمودنیها، و نوع منزل خانواده جمع‌آوری شد.

برای آزمون فرضیه‌ها از تحلیل واریانس

تحصیلی یک الگوی فعال را نشان می‌داد و فیلم دوم کوششهای تحصیلی سه الگو را عرضه می‌کرد. به منظور مشخص کردن یک رفتار خاص در هر دو فیلم الگوها برای آماده ساختن خود جهت درس دیکته به شکل خاصی تمرین می‌کردند، بدین صورت که کلمات تازه و مشکل درس را مشخص می‌نمودند و از روی آنها به تمرین می‌پرداختند. فیلمها علاوه بر منعکس ساختن فعالیتهای تحصیلی الگوها، مراسم تشویق کردن و اعطای جوایز به آنان را نیز نشان می‌دادند.

متغیر وابسته عملکرد آزمودنیها در دو نوع فعالیت تحصیلی بود. یک فعالیت تکلیف تمرینی بود که روی ۵۰ واژه جدید از کتاب چهارم فارسی انجام گرفت و دیگری یک امتحان دیکته بود. هر دو فعالیت پیش و پس از تماشای فیلمها توسط دو گروه آزمایشی به عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون انجام گرفتند. از گروه گواه بدون تماشای فیلم پیش‌آزمون و پس‌آزمون به عمل آمد.

پس از گروه‌بندی آزمودنیها در سه گروه، هر یک از آنها زیر نظر یک مجری به اجرای برنامه از پیش تنظیم شده خود پرداختند. در مرحله اول هر کدام از سه گروه به انجام تکلیف تمرین روی ۵۰ واژه جدید از کتاب

یک راهه و روشهای چندمقایسه‌ای توکی، دکن، و LSD استفاده به عمل آمد.

تمرین و در دیکته برای سه گروه آزمودنی (دوگروه آزمایشی و یک گروه گواه) در جدول شماره ۱ آمده است. مندرجات جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که میانگینهای گروههای آزمایشی هم در نمره دیکته و هم در نمره مربوط به تکلیف تمرین افزایش نشان داده‌اند، لیکن اعضای گروه گواه در پس‌آزمون تکلیف تمرین و دیکته نمره کمتری کسب کرده‌اند.

یافته‌های پژوهش

متغیر وابسته در این پژوهش مقدار تمرین و نمره‌های دیکته آزمودنیها بود. این نمره‌ها در دو مرحله، پیش و پس از ارائه الگو به عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون از آزمودنیها به دست آمدند. میانگین نمره‌های تفاوت پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دفعات

جدول ۱. میانگینهای نمره‌های تفاوت پیش‌آزمون و پس‌آزمون در تمرین و دیکته در

۲۶۱ گروههای مقایسه

متغیرها	گروه‌آزمایشی اول	گروه‌آزمایشی دوم	گروه گواه
میانگین نمره‌های تفاوت در تمرین	۵/۵۶	۱/۸۸	-۹/۲۴
میانگین نمره‌های تفاوت در دیکته	۰/۴۱۷	۰/۲۳۵	-۰/۷۳۰

تمرین به عمل آمد که نتایج آن در جدول شماره ۲ آمده است.

یک تحلیل واریانس یک راهه روی نمره‌های تفاوت به دست آمده از تکلیف

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس یک راهه بر روی نمره‌های تفاوت در تکلیف تمرین

منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F مشاهده شده	P
بین گروهها	۴۰۳۴/۴۹۰۲	۲	۲۰۱۷/۲۴۵۱	۴/۱۹۱۵	۰/۰۱۷۹
درون گروهها	۲۷۶۴۶/۰۲۱	۹۹	۴۸۱/۲۷۳۰		
کل	۵۱۶۸۰/۵۱۹۶	۱۰۱			

همان‌طور که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است، F به دست آمده معادل ۴/۱۹۱۵ است که با P برابر با ۰/۰۱۷۹ در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنی دار است و فرضیه صفر رد می‌شود. با توجه به رد فرضیه صفر از روشهای چند مقایسه‌ای توکی، دانکن و LSD استفاده شد تا روشن شود بین میانگینهای کدام گروهها تفاوت معنی دار وجود دارد. نتایج در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول ۳. نتایج روشهای چند مقایسه‌ای توکی، دانکن و LSD بر روی نمره‌های آزمودنیها در تکلیف تمرین

گروهها						میانگین نمره‌های تفاوت در تکلیف تمرین	
گروه ۲			گروه ۳				
توکی	دانکن	LSD	توکی	دانکن	LSD	گروهها	
						گروه ۳	-۹/۲۳۵۳
				*	*	گروه ۲	۱/۸۸۲۴
			*	*	*	گروه ۱	۵/۵۵۸۸

*= تفاوت میانگینهای دو گروه مورد مقایسه معنی دار است

همان‌گونه که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، تفاوت میانگینهای گروههای ۱ و ۳ با روش توکی، دانکن و LSD با $p < 0/05$ معنی دار است. تفاوت میانگین گروه دوم یعنی گروه مشاهده‌کننده سه الگو با میانگین گروه گواه نیز با روشهای

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه بر روی نمره‌های تفاوت دیکته

P	F	میانگین	درجات	مجموع	منع تغییر
	مشاهده‌شده	مجذورات	آزادی	مجذورات	
۰/۰۱۰۹	۴/۷۳۰۰	۱۲/۹۱۸۰	۲	۲۵/۸۳۶۱	بین گروهها
		۲/۷۳۱۱	۹۹	۲۷۰/۲۷۷۶	درون گروهها
			۱۰۱	۲۹۶/۲۱۳۷	کل

همان‌گونه که در جدول ۴ دیده می‌شود در اینجا نیز F حاصل ۴/۷۳ است با احتمالاً برابر با ۰/۰۱۰۹ که از ۰/۰۵ کمتر است و فرض صفر رد می‌شود. با توجه به

رد فرض صفر روشهای چند مقایسه‌ای به کار گرفته شد که نتایج آنها در جدول شماره ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. نتایج روشهای چندمقایسه‌ای توکی، دانکن و LSD بر روی نمره‌های دیکته

گروهها						میانگین نمره‌های تفاوت در دیکته
گروه ۲			گروه ۳			
توکی	دانکن	LSD	توکی	دانکن	LSD	
						گروه ۳ -۰/۷۲۹۴
			*	*	*	گروه ۲ ۰/۲۳۵۳
			*	*	*	گروه ۱ ۰/۴۱۷۶

واژه‌های جدید و امتحان دیکته تأیید شد و فرضیه دوم در ارتباط با هر دو شاخص عملکرد تحصیلی تأیید نشد.

با توجه به اطلاعاتی که از وضع اجتماعی - اقتصادی آزمودنیها جمع‌آوری شده بود، دو تحلیل واریانس دوره‌ای بر روی نمره‌های تمرین و دیکته به عنوان متغیرهای وابسته و گروههای سه‌گانه مقایسه و وضع اجتماعی - اقتصادی به عنوان متغیرهای مستقل به عمل آمد. نتایج این دو تحلیل حاکی از آن بود که وضع اجتماعی - اقتصادی نه به تنهایی و نه در تعامل با گروههای مقایسه تأثیری بر متغیرهای وابسته ندارد.

همان‌گونه که در جدول شماره ۵ دیده می‌شود تفاوت بین میانگینهای گروههای ۱ و ۳ و گروههای ۲ و ۳، یعنی گروه مشاهده کننده یک الگو و گروه گواه و همچنین گروه مشاهده کننده سه الگو و گروه گواه، براساس سه روش توکی، دانکن و LSD معنی‌دار است. در اینجا نیز در سطح آماري $p < 0/05$ فرضیه اول تحقیق تأیید شد. از سوی دیگر، جدول فوق نشان می‌دهد که گروههای ۱ و ۲ با هم تفاوت معنی‌داری ندارند. بنابراین، فرضیه دوم در ارتباط با فعالیت درسی دیکته نیز تأیید نمی‌شود. بدین‌سان، فرضیه اول تحقیق در ارتباط با هر دو شاخص عملکرد تحصیلی، یعنی، تکلیف تمرین روی

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی دوفرضیه اصلی بود. این فرضیه‌ها از این قرارند:

۱. مشاهده الگوهای فعال تحصیلی موجب بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی شهرستان دزفول می‌شود.

۲. مشاهده سه الگوی فعال تحصیلی تأثیر بیشتری از مشاهده یک الگوی تحصیلی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی شهرستان دزفول دارد.

نتایج آزمایش، فرضیه اول را مورد تأیید قرار داد، یعنی معلوم گردید که مشاهده الگو موجب شد تا دانش‌آموزان در نمره‌های دیکته و تعداد دفعات تمرین، عملکرد بهتری از خود نشان دهند. لیکن گروه مشاهده‌کننده سه الگو از لحاظ عملکرد تحصیلی تفاوتی با گروه مشاهده‌کننده یک الگو نداشت.

تأیید فرضیه تأثیر الگو با تحقیقات قبلی همسو است. همان‌گونه که در رابطه با اصلاح قضاوت‌های اخلاقی به وسیله الگو (ساندورا و مک‌دونالد، ۱۹۶۳) و نقش سرمشق‌دهی در الگویابی جنسیتی (پری و

بساسی، ۱۹۷۹) دیده شد، در اینجا نیز مشاهده الگو در افزایش مقدار تمرین و در نتیجه در نمره دیکته آزمودنیها مؤثر بود. همچنین متناسب با تأثیر سرمشق‌گیری بر اصرار کودکان در حل مسئله (زیمرن و باتر، ۱۹۷۹) مشاهده الگوها باعث شد تا آنها اصرار بیشتری در کسب مهارت در درس دیکته به عمل آورند و با تمرینهای بیشتر موجب افزایش نمره خود شوند.

یکی از جنبه‌های مشخص تأثیر الگو به‌ویژه در رابطه با الگوهای همسال آن است که دانش‌آموزان مشاهده‌کننده الگوهای همسالی که مطلبی را فرا گرفته‌اند، این گرایش را پیدا می‌کنند که آنها نیز آن مطلب را یاد بگیرند (شانک و همکاران، ۱۹۸۷). این امر به‌ویژه در عملکرد آزمودنیها به چشم می‌خورد، چه آزمودنیها با اعتقاد به کسب نمره بهتر دست به تلاش بیشتر زدند.

با اینکه فرضیه اول تحقیق به لحاظ آماری تأیید شده است، در صحت آن تردیدهایی وجود دارد. به منظور پی بردن به علت این تردیدها لازم است به جدول شماره ۱ مجدداً نگاهی بشود. مندرجات این جدول حاکی از آن است که میانگین نمره‌های گروههای آزمایشی اول و دوم، از پیش آزمون به پس آزمون، به ترتیب ۵/۵۶

و ۱/۸۸ نمره در تکلیف تمرین، و ۰/۴۱۷ و ۰/۲۳۵ نمره در دیکته افزایش پیدا کرده است، در حالی که میانگین نمره‌های گروه گواه در پس آزمون ۹/۲۴ نمره در تکلیف تمرین و ۰/۷۳ نمره در دیکته افت داشته است. به بیان دیگر، به نظر می‌رسد که تفاوت معنی‌دار میان میانگینهای دو گروه آزمایشی با میانگین گروه گواه در اثر افت عملکرد گروه گواه بوده است تا بهبود عملکرد گروههای آزمایشی.

علل افت عملکرد گروه گواه در پس آزمون تکلیف تمرین و دیکته، می‌تواند از تکراری بودن موضوع، خستگی، کاهش انگیزه و عوامل کنترل نشده دیگر ناشی شده باشد. آیا این عوامل بر گروههای آزمایشی هم تأثیر منفی داشته‌اند؟ اگر پاسخ به این سؤال مثبت باشد در آن صورت می‌توان گفت که دستکاری متغیر مستقل، یعنی ارائه فیلمهای الگوهای موفق تحصیلی، نه تنها این تأثیر منفی را خنثی کرده، بلکه موجب بهبود نمره‌های آزمودنیها نیز شده است. لیکن اگر عوامل ایجادکننده افت عملکرد در گروه گواه، تنها بر این گروه داشته و بر گروههای آزمایشی مؤثر نبوده‌اند، در آن صورت تفاوت معنی‌دار بین گروههای آزمایشی و گواه در شاخصهای عملکرد

تحصیلی صرفاً از این بابت حاصل شده است و تماشای فیلمهای الگوهای موفق تحصیلی تأثیری نداشته است. اطلاعات در اختیار، انتخاب یکی از دو تفسیر فوق را دشوار می‌سازد، هر چند، عدم تأیید فرضیه دوم تحقیق، با تفسیر دوم بالا هماهنگتر است. بدین‌سان، به‌منظور حصول اطمینان از یافته‌های حاصل، به انجام تحقیقات بیشتری در شرایط مناسب و مهار شده نیاز داریم.

در صورتی که تفسیر اول، صحّت داشته باشد، بهبود عملکرد تحصیلی گروههای آزمایشی را می‌توان به شرح زیر تبیین کرد: مشاهده تقویت ارائه شده به الگوها موجب آشکار شدن اثر تقویت نیابتی در آزمودنیها شد و باعث گردید تا در تکلیف تمرین و دیکته از خود عملکرد بالاتری نشان دهند. همچنین ارائه محیط زندگی معمولی دانش‌آموزان، نشان دادن کتاب فارسی کلاس چهارم و کلاس درس، احساس همانندی آزمودنیها را با الگوها افزایش داد و منجر به عملکرد تحصیلی بالاتر آنان شد. در رابطه با فرضیه دوم تحقیق یعنی تأثیر بیشتر الگوهای چندگانه نسبت به الگوی منفرد در عملکرد تحصیلی، نتایج حاکی از عدم تفاوت بین تأثیر دو نوع الگو بود.

را نشان می‌داد.

با فرض واقعی بودن تأثیر الگوهای موفق بر عملکرد تحصیلی، این ضرورت برای دست‌اندرکاران فرهنگی جامعه مطرح می‌شود که در کنار معرفی الگوهای متنوع ورزشی، هنری و ... الگوهای موفق تحصیلی را نیز معرفی و مطرح کنند. در این رابطه، معرفی چهره‌ها و وزنه‌های علمی کشور و بیان رمز و راز موفقیت آنان، چگونگی تلاش، و میزان مطالعه و تحقیق آنها می‌تواند کمک مؤثری باشد. همان‌طور که حرکات یک ورزشکار نمونه و ساعات تمرین او در الگودهی به یک ورزشکار جوان مؤثر است، نشان دادن جنبه‌های گوناگون زندگی یک محقق مانند میزان تلاش، روش کار، سابقه فعالیت‌های او و ... در سرمشق‌دهی به جوانان و ترغیب آنان به مسائل علمی و تحصیلی مؤثر است. همچنین، استفاده معلمان از روش الگویی در تدریس در کمک به دانش‌آموزان دارای مشکلات یادگیری می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیق دوم شانک و همکاران (۱۹۸۷) که مطرح می‌کند، «الگوهای چندگانه به دلیل بالا بردن احتمال مشابه بودن مشاهده‌کنندگان با حداقل یکی از الگوها، به خوداثربخشی بالاتر در آزمودنیها منجر می‌شود» مغایر است. دلایل این عدم تأیید ممکن است مربوط به عوامل گوناگون و متعددی به شرح زیر باشد:

۱. در تحقیق شانک و همکاران (۱۹۸۷) آزمودنیها کودکانی بودند که دارای مشکلات یادگیری بودند، در حالی که در این تحقیق کودکان عادی و با انتخاب تصادفی به کار گرفته شدند.
۲. در تحقیق شانک و همکاران (۱۹۸۷) الگوهای مهارت و انطباقی به کار گرفته شدند، در حالی که در این تحقیق تنها الگوهای فعال تحصیلی که گذشته درخشانی داشته‌اند، به آزمودنیها ارائه شد.
۳. این احتمال وجود دارد که فیلم دوم که مدت زمانی برابر با فیلم اول داشت (۱۵ دقیقه)، توانایی اثرگذاری برابری با فیلم اول بر روی دانش‌آموزان داشته باشد، زیرا در زمانی مشابه باید عملکرد سه نفر

منابع

- Bandura, A. (1977). *Social learning theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice - Hall.
- Bandura, A. (1986). *Social foundation of thought and action*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Bandura, A., Ross, D., and Ross, S. A. (1963). Imitation of film-mediated aggressive models. *Journal of Abnormal and Social Psychology*, 66, 3-11.
- Bandura, A. and Walters, R. H. (1963). *Social learning and Personality development*. Holt, Rining and Winston, Inc.
- Bandura, A. and McDonald, F. J. (1963). Influence of social reinforcement and the behavior of models in shaping children's moral Judgment. *Journal of Abnormal and Social Psychology*, 67, 274-281.
- Brown, I., and Inouye, D. K. (1978). Learned helplessness through modeling. *Journal of Personality and Social Psychology*, 36, 900-908.
- Perry, D. G. and Bussey, K. (1970). The Social learning theory of sex difference imitation is alive and well. *Journal of Personality and Social Psychology*, 37, 1699-1712.
- Schunk, D. H., Hanson, A. R. and Cox, P. D. Peer model attribute and children achievement behaviors. *Journal of Educational Psychology*, 77, 315-322.
- Schunk, D. H. and Hanson, A. R. (1985). Peer models influence on children's self-efficacy and achievement. *Journal of Educational Psychology*, 77, 313-322.
- Zimmerman, B. G. and Blotner, R. (1979). Effects of model persistence and success on children's problem solving. *Journal of Educational Psychology*, 71, 508-513.